



A Study of the Views of Shiite and Sunni scholars about the Wives of the Prophets

Mohammad Jafar Milan Nourani *

M.A, Institute of Islamic Schools of Qom, Qom, Iran

Majid Sarkoubi

PhD Student in Comparative Interpretation, Mostafa International Society, Isfahan Branch Orchid Code

Seyed Hassan Al-e-Mojadad Shirazi

Department of Islamic Religions, University of Religions and Religions, Qom, Iran

Abstract

The issue of chastity of the wives of the Prophet of God is one of the issues that Shiite scholars, along with Sunnis, have taken for granted and have specified in their works. But the Takfiri elements tried to accuse all the Shiites of having such a false belief, under the pretext that a few people called Shiites had accused some of the women of the Prophet of immorality. In this way, in the story of Afak and slandering some people against the wife of the Prophet of God, Shiite commentators write in defense of his image. Therefore, this article intends to remind the opinions of the body of Shiite scholars that the wives of all prophets, including Rasul Khatam, are considered chaste, and emphasizes that the incorrect position of some members of a group should not be recorded in the name of all members. What's more, among the elders of non-Shia religions, there are some thought-provoking statements about the wife of the prophet, which should not be generalized to the main body of the religion.


Keywords: Marriage of the Prophet, Afak, Aisha, Qazf, the wife of Prophet Noah, Tafsir Ali Ibn Ibrahim.


* Corresponding Author: bna۶۶۶۶@gmail.com

How to Cite: Milan Nourani, M. J., Sarkoubi, M., Al-e-Mojadad, S. H. (۲۰۲۰). A Study of the Views of Shiite and Sunni scholars about the Wives of the Prophets. *Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Theology*. ۲ (۳). ۱۵۵-۲۱۰.

بررسی دیدگاه علمای شیعه و اهل سنت در مورد همسران انبیا

محمد جعفر میلان نورانی  * کارشناسی ارشد موسسه مذاهب اسلامی

مجید سرکوبی  دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه شعبه اصفهان، اصفهان، ایران

سید حسن آل مجدد شیرازی  عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب قم، قم، ایران

چکیده

مسئله پاکدامن بودن همسران پیامبر خدا، از مسائلی است که علمای شیعه نیز همسو با اهل سنت، آن را امری مسلم دانسته و در آثار خود به آن تصریح کرده‌اند. ولی عوامل تکفیری در صدند، به بهانه اینکه افراد معدودی به نام شیعه، برخی از زنان پیامبر را متهم به عدم پاکدامنی نموده‌اند، تمامی شیعیان را به داشتن چنین باور ناصحیحی متهم کنند. به این ترتیب که در ماجرای افک و تهمت زدن برخی افراد به همسر رسول خدا، مفسران شیعه نسبت به دفاع از وجهه ایشان قلم می‌زنند. لذا این نوشتار بر آن است، با یادآوری آرای بدنه علمای شیعه، مبنی بر عقیقت دانستن همسران همه انبیا از جمله رسول خاتم، بر این مسئله تأکید کند که موضع گیری ناصحیح چند نفر از اعضای یک گروه را نباید به نام همه اعضا ثبت نمود. چه اینکه در میان بزرگان مذاهب غیر شیعی نیز سخنان قابل تأملی در مورد همسران انبیا دیده می‌شود که نباید به بدنه آن مذهب، تعمیم داده شود.

کلیدواژه‌ها: ازواج الرسول، افک، عایشه، قذف، همسر حضرت نوح، تفسیر علی بن ابراهیم.

۱. مقدمه

وارد کردن اتهام اخلاقی به هیچ مرد و زن مسلمانی جایز نیست و طبق نص قرآن، موجب سقوط از عدالت ﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ... لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا﴾ (نور/۴)، و لعنت و عذاب الهامی می‌گردد ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (نور/۲۳). خاصه آنکه کسی که مورد این اتهام بی‌اساس قرار می‌گیرد، همسر رسول خدا نیز باشد؛ چراکه زنان پیامبر طبق نص قرآن، با سایر بانوان مسلمان تفاوت دارند ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ اتَّقِيْتُنَّ﴾ (احزاب/۳۲) و به منزله مادران امت مسلمانانند ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ﴾ (احزاب/۶).

در این میان، علمای شیعه نیز از چند ناحیه در جهت اثبات پاکدامنی ازواج رسول خدا احساس وظیفه می‌کنند: اول اینکه بر این عقیده‌اند، انکار اخلاق‌مداری همسران رسول خدا، یکی از بزرگ‌ترین اهانت‌ها به شخص پیامبر بوده و دفاع از حیثیت آن حضرت، وظیفه هر مسلمانی است؛ چراکه نفی پاکدامنی همسر پیامبر، به عصمت رسول خدا ضربه می‌زند. و دیگر اینکه دانشمندان شیعه، تمامی زنان و مردان مؤمن را پاکدامن می‌دانند مگر اینکه طبق نص قرآن، چهار انسان عادل بر خروج آنان از مدار اخلاق، گواهی دهند. ﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً﴾ (نور/۴). در حالی که هرگز چنین شهادتی علیه آن بانوان، واقع نشده است.

۲. پیشینه پژوهش

این نوشتار بر این فرض بنا شده که عموم نویسندگان و علمای شیعه معتقدند، همسران همه پیامبران، پاکدامن و به دور از آلودگی اخلاقی‌اند و نظر یک یا چند فرد برخلاف این اعتقاد را نمی‌توان به مثابه نظر تمام افراد آن مذهب دانست. در مورد میرا بودن نساء‌النبی از گناهان غیر اخلاقی، آثار قابل توجهی نوشته شده است. از باب نمونه، مجتبی محیطی نوشتاری تحت عنوان «حرمت نسبت‌های ناروا به همسران پیامبران از دیدگاه علمای شیعه»^۱، فاطمه محمدی در پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه ادیان و مذاهب با نام «نقد و بررسی ادله مخالفات تقریب با تکیه بر کتاب شیعه انگلیسی»، و حسین حسینیان مقدم نیز مقاله‌ای به نام «بررسی

۱. ماهنامه اطلاع‌رسانی، پژوهشی و آموزشی مبلغان، ش ۲۴۴، ص ۶۲، مهر و آبان ۱۳۹۸ ش.

تاریخی-تفسیری حادثه افک^۱ تألیف نموده‌اند. همچنین در موسوعه‌ای که تحت عنوان «معجم ما کتب عن الرسول و أهل البیت» نوشته شده و کتاب‌هایی را که در مورد اهل بیت تألیف گشته نام می‌برد، قسمتی را نیز به ذکر آثاری اختصاص داده که در مورد اثبات بی‌گناهی ازواج رسول خدا از فساد اخلاقی، نوشته شده است (ر.ک؛ رفاعی، عبدالجبار، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۷۳) ولی این نوشتار، مستقلاً به جمع‌آوری نظرات دانشمندان شیعه در این خصوص و تطبیق آن با دیگر مذاهب می‌پردازد.

۳. نظرات مفسران شیعه درباره عفت همسران پیامبر

مفسران شیعه جزء مهم‌ترین قائلان به پاکدامنی زنان رسول خدا هستند و این روایت که از ابن عباس نقل شده، در آثارشان دیده می‌شود: «ما زنت امرأه نبی قط» (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۵۲)؛ همسر هیچ‌یک از پیامبران، هرگز مرتکب زنا نشده‌است. نظرات آنان را در این مورد، عمدتاً می‌توان ذیل آیات افک (آیات ۱۱ تا ۱۶ سوره نور) و برخی آیات مشابه مثل آیه دهم تحریم مشاهده کرد. البته عباراتشان بعضاً تفاوت دارد. از باب مثال، برخی تصریح به بی‌گناهی عایشه همسر پیامبر، و عبدالله بن ابی را نیز به عنوان سردسته شایعه سازان و سزاوار عذاب عظیم منقول در آیه ﴿وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (نور/۱۱) معرفی کرده‌اند (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۷: ۴۱۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۲۰۶). دسته‌ای دیگر از مفسران شیعه نیز احتمال دومی در این میان ذکر کرده‌اند؛ مبنی بر اینکه آیات افک در مورد عایشه نیست و ناظر به یکی دیگر از همسران رسول خداست. در این میان، تفسیر جامع، به گونه‌ای واضح هر دو قول را تشریح می‌کند. وی در ذیل آیه افک می‌نویسد: «هنگامی که رسول اکرم می‌خواست به سفر برود، عادتش آن بود که میان زنان خود قرعه می‌زد... در جنگ بنی مصطلق قرعه به نام عایشه برآمد... عایشه گفت رسول اکرم امر فرمود هودجی برای من فراهم کنند... در بازگشت از غزوه شب به منزلی فرود آمدیم. من... به کناری برای قضای حاجت رفتم. چون باز آمدم، گردن‌بندی که بر گردن داشتم نیافتم. گمان کردم در آن مکان گم شده؛ در تاریکی شب تنها به آنجا رفتم... رسول اکرم از رفتن من بی‌خبر بود، امر به کوچ داد. لشکر از آن منزل حرکت کردند. آنان که مأمور هودج من بودند، هودج را بر شتر نهادند و گمان کردند من در هودج نشسته‌ام و به راه افتادند.

۱. مجله تاریخ در آئینه پژوهش، ش ۷، ۱۳۸.

من باز گشتم، در آن منزل کسی را ندیدم، همان جا نشستم... صفوان بن معطل سلمی را مشاهده کردم... چون مرا دید شناخت؛ شتر خود را آورد، او را خوابانید. من سوار شدم. زمام شتر را به دست گرفت و به راه افتاد... چون شتر من از دور هویدا شد، عبدالله ابی سلول و جماعتی از منافقان... گفتند مشاهده کنید عیال پیغمبر با مرد اجنبی از راه بیابان می آید! چگونه می توان ایمن بود از آنکه میان ایشان کار ناشایسته سرزده باشد؟! چون به مدینه رسیدیم، مدت یک ماه بیمار شدم. رسول اکرم وقتی به عیادتم تشریف می آورد، مطابق معمول رفتار نمی فرمود. نمی دانستم سبب چیست. پس از آنکه بهبودی یافتم، شبی از شبها ام مسطح (دختر خاله ابوبکر) داستان گفتار منافقان را برای من بیان کرد و گفت رسول اکرم از این جهت دلتنگ است. من گریه کردم و بیماری ام عود نمود. پیغمبر با اسامه و علی بن ابی طالب درباره من مشورت کرد. اسامه گفت این گفتار از منافقان است؛ نباید به سخنان آنها وقعی گذاشت. علی علیه السلام گفت: ای رسول خدا، رأی شما قوی تر است در هر کار. پیامبر بریره را طلب نمود و او جلیس من بود. فرمود: عایشه را چگونه می شناسی؟ عرض کردم... من هیچ خطایی و تهمتی از او ندیدم...

رسول اکرم به منبر تشریف برد و فرمود: ای مسلمانان، چه کسی معذورم می دارد از مردی که مرا در خصوص خانواده ام می رنجاند؟ و عبدالله ابی سلول را طلب نمود. سعد بن عباده رئیس طایفه خزرج برخاست و با سعد بن معاذ به گفتگو پرداخت. چون عبدالله بن ابی خزرجی بود. پیغمبر آنها را خاموش نمود و از منبر به زیر آمد و به حجره من تشریف آورد. فرمود: ای عایشه، اگر توبی گناهی، خداوند برائت تو را ظاهر گرداند. و اگر خطا کرده ای توبه کن که پروردگار توبهات را بپذیرد.

من گفتم: ای رسول گرامی، خدا می داند که من مبرا هستم از این سخنان و چیزی نکرده ام که از خدا شرم داشته باشم. ولی اگر باور نکنید، من چیزی نمی توانم بگویم و جز صبر چاره ای ندارم. و رو به دیوار کرده گریه نمودم. آن گاه حالت وحی به پیغمبر نمودار شد. جبرئیل فرود آمد و آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ﴾ را نازل کرد.

علمای عامه این حدیث را نقل نموده و می گویند آیه مزبور درباره عایشه نازل شده... ولی خاصه (شیعه) روایت کرده اند که آیات افک، در حق ماریه قبطیه و آنچه عایشه به او نسبت داده، نازل شده است:

چون ابراهیم پسر پیغمبر اکرم وفات کرد، ایشان بسیار محزون گردید. عایشه گفت چرا این چنین غمناکی؟ ابراهیم که فرزند جریح بوده! پیغمبر اکرم سخت بر آشفت و به علی امر فرمود جریح را... به قتل برساند. امیرالمؤمنین شمشیر برگرفت و برای کشتن جریح قبطنی به منزل او... روان گردید. چون دق الباب نمود جریح در را بگشود، علی علیه السلام را برافروخته و غضبناک بدید و از ترس رو به فرار نهاده و بالای درختی رفت و همین که امیرالمؤمنین علیه السلام به پای درخت رسید، جریح از ترس و وحشت تعادل خود را از دست داده از درخت سرنگون شد و عورتش مکشوف، و معلوم گردید فاقد آلت مردی است! امیر المؤمنین علیه السلام حضور پیغمبر اکرم برگشت و گفت ای رسول خدا، وقتی که مرا برای کشتن جریح فرستاده بودید، مانند یک آهن تفتیده و داغ شده بودم، ولی اکنون شرفیاب شدم که اگر اجازه فرمایید در این نسبتی که عایشه داده است تحقیق و تجسس بیشتری نمایم؛ زیرا بر حسب تصادف حقیقتی بر من مکشوف شد و دانستم که جریح فاقد آلت تناسلی است! پیغمبر اکرم فرمود ستایش می کنم خدایی را که هر بدی را از اهل بیت من دور نموده و عایشه در نسبتی که به ماریه قبطنیه داده بود، دروغ گفته است» (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۴: صص ۴۷۶ تا ۴۷۹).

ولی به نظر می رسد، آیه افک در مورد عایشه نازل شده باشد؛ نه ماریه! دلایل مختلفی بر این ادعا می توان ذکر نمود:

الف. اگر آیه در مورد بی گناهی ماریه باشد، در این صورت باید گفت آیاتی که مؤمنان را از داشتن سوءظن بازداشته، مخاطب آن در حقیقت رسول خدا بوده است! چون ایشان بوده که به ماریه و جریح سوءظن نموده و قصد داشته جریح را بکشد! و اگر به صورت کاملاً اتفاقی شرمگاه جریح دیده نمی شد و معلوم نمی گشت که وی قدرت مردانگی ندارد، وی بی گناه کشته می شد و حتی در این صورت امیرالمؤمنین نیز محکوم می شد که فرد بی گناهی را کشته است! در صورتی که در داستان عایشه، آن حضرت هرگز قصد تنبیه عایشه و صفوان را نداشت و آیه ایشان را به داشتن سوءظن توییح نمی کند! بلکه مخاطب آیه، سایر مردم خواهند بود که شایعه منافقانی مثل عبدالله بن ابی را علیه عایشه باور کرده بودند.

ب. در جریان عایشه، خویشتر داری رسول خدا بیشتر نمایان است. ولی در جریان ماریه، رسول خدا کاملاً احساساتی، عجولانه و بدون تحقیق، دستور می دهد و تصمیم می گیرد! با

اینکه قرآن می‌فرماید، آن حضرت از روی احساسات سخن نمی‌گوید («وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» نجم: ۳).

ج. چرا امیرالمؤمنین از کشتن جریح سر باز زد؟ مگر رسول خدا به وی فرموده بود صرفاً در صورتی جریح را بکش که اندام مردانگی داشته باشد؟! دستور وی بدون هیچ قیدی بود و تاریخ نشان نداده که امیرالمؤمنین حتی یک بار از دستور رسول خدا سرپیچی کرده باشد. ایشان به قدری مطیع پیامبر بود، که حتی هنگامی که زنی از مشرکان مدتی در مدینه بود و هنگام خروج به سمت مکه، قصد داشت پیامی خیانت آمیز از حاطب بن ابی بلتعنه خطاب به مشرکان، مبنی بر افشای اسرار نظامی پیامبر برساند، و پیامبر به امیرالمؤمنین دستور داد جلوی آن زن را بگیرد و اموالش را تفتیش کرده، نامه را بیابد، آن حضرت هر چه جست نامه‌ای ندید ولی با عنوان کردن این مطلب که رسول خدا هرگز دستور اشتباه نمی‌دهد، به آن زن گفت یا نامه را می‌دهی و یا سر تو را خواهم برد! که آن زن مجبور شد نامه را از لای موهایش خارج کند! (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۴۰۴) پس چطور در جریان جریح، از اجرای فرمان رسول خدا سرپیچی نمود؟!

د. در جریان عایشه، چند نفر به وی تهمت زدند. ولی در جریان ماریه، تهمت زننده فقط یک نفر بود. با اینکه قرآن، تهمت زندگان را یک گروه، و یکی‌شان را سردسته آن‌ها معرفی می‌کند! ﴿إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ﴾ (نور/۱۱). نه اینکه متهمان صرفاً یک یا دو نفر باشند! (ر.ک؛ علامه طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۱۰۵).

در مقابل، گروهی از محققان نیز ادعا می‌کنند آیات افک در مورد ماریه و علیه عایشه نازل شده است. آن‌ها بر این سخن خود چند دلیل می‌آورند: یکی اینکه اگر شان نزول آیات عایشه باشد، لازمه‌اش این است که بپذیریم رسول خدا افک را باور کرده و این آیه بوده که وی را از باور اشتباهی که داشته، دور کرده است! پاسخ این سخن این است که در حقیقت، پیامبر خدا در این زمینه سخن کسی را باور نکرد و صرفاً منتظر دریافت وحی الهی بود تا موضع خود را علنی کند. و این برخی از بزرگان اهل سنت هستند که باید توضیح دهند، چرا رسول خدا را نسبت به عایشه بدبین نشان داده‌اند؟! چون در روایات شیعه چنین چیزی دیده نمی‌شود.

دلیل دوم آنان این است که اگر آیات افک در مورد بی‌گناهی عایشه باشد، پس چرا از میان تهمت زندگان به وی، فقط عبدالله بن ابی مجازات شد و دیگران توبیخ نشدند؟ (ر.ک؛

یوسفی غروی، ۱۳۹۳، ج ۵: ۵۹۷) در پاسخ می‌توان چنین گفت، که اگر آیات در مورد ماریه باشد نیز، این اشکال وارد است که چرا عایشه مجازات نشد؟! ضمن اینکه این گونه نیست که غیر از ابن ابی، هیچ کس دیگری محکوم نشده باشد؛ چرا که مسطح بن أثاثه (پسر خاله یا نوه خاله ابوبکر) و حسان بن ثابت که جزء تهمت زندگان بودند نیز، متحمل تازیانه شدند (ر.ک؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴: ۱۴۷۳، ش ۲۵۵۰؛ ج ۱: ۳۴۷؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۴: ۳۸۰، ش ۴۸۶۵؛ ج ۱: ۴۸۳، ش ۱۱۵۳).

همچنین اشکال دیگری که به آن وارد شده، این است که چرا ابن ابی دو حد و دیگران یک حد خوردند؟! چه دلیلی وجود دارد که کسی که به همسر رسول خدا تهمت بزند و مصداق «وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ» باشد، باید دو حد را متحمل گردد؟ (ر.ک؛ علامه طباطبائی، ترجمه، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۱۴۵) در پاسخ این شبهه نیز باید گفت، به حکم آیه قرآن که سردهسته شایعه سازان را دارای عذاب بزرگ‌تری می‌داند ﴿وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (نور/۱۱) دو حد در مورد وی اجرا شد.

لذا به نظر می‌رسد اختصاص جریان افک به عایشه، صحیح باشد. روی هم رفته، چه اینکه شأن نزول آیه را عایشه بدانیم یا ماریه، در عمل تفاوتی ندارد و هیچ یک از زنان پیامبر بدنام نخواهند شد. در حقیقت اختلاف، صرفاً بر سر مصداق شأن نزول آیات است، نه بر سر پاکدامنی و عدم آن.

۴. پاکدامنی همسران انبیا در کلام برخی از بزرگان غیر شیعه

در این بخش، دیدگاه تأمل برانگیز برخی از بزرگان غیر شیعه در مورد همسران انبیا نیز ذکر و یادآوری می‌شود، که در هر مذهب و تفکری ممکن است به صورت معدود، چند نفر دارای افکار ناصواب وجود داشته باشد که شیعه هرگز آن چند نفر را به عنوان پرچمداران کل آن مذهب، قلمداد نمی‌کند. مثلاً ابن جوزی، دانشمند حنبلی مذهب، از چهار نفر از محدثان بزرگ اهل سنت، یعنی ابن جریر و شعبی و حسن بصری و مجاهد نقل می‌کند، همسر حضرت نوح بدکاره، و فرزند نافرمانش نیز ولد نامشروع بوده‌اند! (ر.ک؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۳۷۷).

همچنین عبید بن عمیر یکی از بزرگ‌ترین راویان اهل سنت، تصریح به نامشروع بودن پسر حضرت نوح کرده و حسن بصری نیز بر حرامزادگی وی، قسم جلاله یاد کرده است!

قول این چند نفر را طبری و ابن ابی حاتم در تفسیرشان نقل کرده‌اند (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲: ۳۰؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۶: ۲۰۴۰). متقابلاً، آلوسی مفسر سنی در قرن سیزدهم، از این تفسیر ناصواب برمی‌آشوبد و می‌گوید: کسانی که معتقدند پسر حضرت نوح، حرام‌زاده است، خود، ولد نامشروع هستند! (ر.ک؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۳۵۷). ولی طرح سخنان تأمل‌انگیز در مورد ازواج انبیا به همین مسائل منتهی نمی‌شود و احمد طحاوی از دانشمندان اهل سنت در قرن چهارم نیز، روایتی نقل می‌کند مبنی بر اینکه یکی از همسران رسول خدا به نام «قتیله بنت قیس» بعد از رحلت آن حضرت، همراه با برادرش از اسلام برگشت! و عمر نیز به این خاطر، نام وی را از لیست مادران مؤمنان، حذف نمود! (ر.ک؛ طحاوی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۱۲۰، ح ۶۵۴).

البانی سلفی پا را از این نیز فراتر گذاشته، می‌نویسد: رسول خدا مطمئن نبود که همسرش عایشه پاکدامن باشد! تا اینکه در این مورد، وحی نازل شد و خیالش راحت گردید! و این یعنی انجام دادن فحشا، از همسر پیغمبر ممکن است! (ر.ک؛ البانی، ۲۰۰۲، ج ۶: ۲۷).

او در جایی دیگر این سخن را به سایر زنان آن حضرت نیز سرایت داده، چنین اظهار می‌کند: رسول خدا به رابطه بین یکی از همسرانش با پسرعموی آن زن، ظنین می‌شود و حضرت علی را دستور می‌دهد تا آن مرد را مضروب نماید. وقتی آن شخص از ترس جاننش بر بالای درختی می‌رود، مشخص می‌شود که وی اصلاً اندام مردانه ندارد. هنگامی که حضرت علی جریان را برای رسول خدا شرح می‌دهد، آن حضرت می‌فرماید: شاهد، چیزی را می‌بیند که غایب نمی‌بیند (ر.ک؛ همان، ج ۴: صص ۵۲۷ تا ۵۲۹، ح ۱۹۰۴).

البانی با ذکر این روایت، چنین نتیجه‌گیری می‌کند: روایت صریح در این است که از همسران رسول خدا امکان وقوع فساد اخلاقی وجود دارد! همچنان که از سایر زنان، وقوع چنین کاری بعید نیست! (ر.ک؛ همان: ۵۲۹).

وی همچنین عقیده دارد، کسانی که معتقدند وقوع فساد اخلاقی در مورد همسران رسول خدا محال است، جاهل و بدعت‌گذارند! (ر.ک؛ همان: ۵۳۰).

نیز در خلال جریان افک، می‌نویسد: پیامبر خطاب به عایشه فرمود: «إِنْ كُنْتَ أَلَمْتِ بِذَنْبٍ، فَاسْتَغْفِرِي اللَّهَ وَ تَوَبِي إِلَيْهِ» (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۳: ۱۷۳، ح ۲۶۶۱)؛ اگر گناهکار هستی، از خدا طلب غفران و توبه کن! حتی یکی از نویسندگان اهل سنت، ضمن آوردن این روایت تصریح می‌کند که رسول خدا به بی‌گناهی عایشه مطمئن نبود و نظریه کسانی که آن حضرت

را از ابتدا نسبت به همسرش خاطر جمع می‌دانند، صحیح نمی‌دانند! متن وی از این قرار است: «عبدالمتعال صعیدی در کتاب القضا یا الکبری فی الاسلام نظر داده که پیامبر به براءت عایشه یقین داشت... ولی در روایات آمده که عایشه گفت رسول خدا به من فرمود: اگر مرتکب گناه شده باشی، استغفار کن. لذا نظریه استاد صعیدی با محتوای تاریخ، توافقی ندارد!» (مولودی، ۱۳۷۸: صص ۱۲۲-۱۲۳).

در صورتی که شیعه معتقد است، صدور چنین عملی از ازواج الرسول، محال و مخالف با عصمت انبیاست. لذا اصلاً رسول خدا به همسرانش در این مورد سوءظن نداشت و آیاتی که مردم را از داشتن سوءظن نسبت به عایشه تویخ می‌کنند، هرگز شامل آن حضرت نیست. ولی نکته اینجاست که رسول خدا منتظر نزول وحی بود تا نظر قطعی خود را ابراز کند ولی با مطالعه سایر آثار بزرگان شیعه و سنی در این زمینه، متوجه می‌شویم این مواضع به دیگر مسلمانان ربطی ندارد. همان‌طور که یکی از سلفیان سوری به نام محمد نسیب رفاعی، کتابی در رد ادعای البانی تحت عنوان «نوال المنی فی إثبات عصمه أمهات و أزواج الأنبياء من الزنی» نوشته است و شیعیان نیز در این زمینه با عموم اهل سنت هم عقیده هستند. از باب نمونه، امام رضا به عنوان سند عقیدتی شیعه، در مورد پسر نوح می‌فرماید ادعای حرامزادگی اش دروغ است و اینکه قرآن فرموده: ﴿إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ﴾ (هود/۴۶)، صرفاً به خاطر مخالفت وی با پدرش در دین بوده است (ر.ک؛ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۱).

و اگر کسی حلال زادگی پسر نوح را زیر سؤال ببرد، در حقیقت با آیه قرآن که می‌فرماید: «نادی نُوحُ ابْنَهُ»^۱ مخالفت کرده است.

لذا در برخی آثار غیر شیعه نیز تعرضاتی به همسران انبیا دیده می‌شود که البته باید به حساب نظر شخصی افراد گذاشته شود؛ نه کل مذهب.

۵. بی‌حرمتی به عایشه در یکی از نقل‌های دیرین

اما مهم‌ترین و تقریباً اصلی‌ترین مسئله‌ای که موجب اتهام زنی به شیعه در این مورد شده است، مطلبی است که یکی از بزرگان شیعه مطرح کرده است و دیگران نیز استنادشان صرفاً به همان کتاب است و به یقین می‌توان ادعا نمود، به جز آن کتاب، هیچ یک از آثار روایی-تاریخی نخستین شیعه چنین مطلبی را نقل نکرده‌اند. عین مطلب چنین است: «قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي

قَوْلُهُ: ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا، ثُمَّ ضَرَبَ اللَّهُ فِيهِمَا مَثَلًا فَقَالَ: ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا أَمْرَاتُ نُوحٍ وَ أَمْرَاتُ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا. فَقَالَ وَ اللَّهُ مَا عَنَى بِقَوْلِهِ: فَخَانَتَاهُمَا، إِلَّا الْفَاحِشَةَ وَ لِيَقِيمَنَّ الْحَدَّ عَلَى فُلَانَةٍ فِيمَا أُتَتْ فِي طَرِيقٍ وَ كَانَ فُلَانٌ يُحِبُّهَا فَلَمَّا أَرَادَتْ أَنْ تَخْرُجَ إِلَيَّ... قَالَ لَهَا فُلَانٌ لَا يَحِلُّ لَكَ أَنْ تَخْرُجِي مِنْ غَيْرِ مُحْرَمٍ فَزَوَّجْتَ نَفْسَهَا مِنْ فُلَانٍ» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۷۷)؛ علی بن ابراهیم قمی در ذیل آیه دهم تحریم می گوید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا» یعنی خداوند مثالش را در مورد آن دو نفر زد (و مشخص نکرده که آن دو نفر کیستند) و در مورد این قسمت از آیه: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا أَمْرَاتُ نُوحٍ وَ أَمْرَاتُ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا» هم گفته است: به خدا قسم منظور از «فَخَانَتَاهُمَا» چیزی جز فاحشه نیست و باید بر فلان زن (!) حد جاری شود. چراکه در یک مسیری به راه افتاد و فلان مرد (!) نیز به او علاقه داشت. و چون قصد داشت به سمت فلان منطقه (!) حرکت کند، آن مرد به وی گفت: حرام است که بدون محرم خارج گردی! لذا آن زن با آن مرد ازدواج نمود. در مورد این مسئله، ذکر چند مطلب، لازم به نظر می رسد.

اولاً برخی از دانشمندان در صحت انتساب این تفسیر به نویسنده اش تشکیک کرده اند! از باب نمونه، آیه الله سبحانی آن کتاب را تلفیقی از نظرات خود نویسنده، و شاگرد او ابوالفضل العباس می داند. که متأسفانه ابوالفضل در این رابطه سخنان ابوالجارود، رئیس فرقه جارودیه را که جزء غالیان و عنصری دروغ پرداز است (ر.ک؛ محقق شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۴: ۵۲۲) نیز، به آن اثر افزوده (ر.ک؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۱۰: ۳۱۳) همچنین آقای سید محمدجواد شبیری از رجال پژوهان معاصر در مورد مشکوک بودن این تفسیر می نویسد: این تفسیر، از معاصران علی بن ابراهیم، همچون احمد بن ادریس، حسین بن محمد بن عامر و حمید بن زیاد روایات بسیاری دارد و حتی احادیثی از محدثان بعد از وی همچون ابن عقده و محمد بن عبدالله حمیری در این کتاب دیده می شود که خود قمی در هیچ سندی از آن ها روایت نمی کند... در موارد بسیاری از مشایخ مهم علی بن ابراهیم چون احمد بن محمد بن عیسی، با واسطه معاصران علی بن ابراهیم نقل شده است.

شگفت آنکه در سند دیگری، از ابراهیم بن هاشم، پدر و استاد اصلی قمی، با دو واسطه روایت شده! از معاصران وی چون محمد بن یحیی نیز با واسطه نقل شده است... حتی در کتاب تاویل الآیات از تفسیر علی بن ابراهیم مطالب بسیاری نقل شده که اصلاً در این تفسیر

نیست... بنابراین نه تفسیر موجود در بردارنده تمام تفسیر علی بن ابراهیم است، و نه تمام منقولات آن از اوست؛ بلکه کتابی از مؤلفی دیگر است (ر.ک؛ حداد عادل، ۱۳۸۳، ج ۷: ۷۰۱). مرحوم غروی اصفهانی نیز در مورد این کتاب می گوید: «از جمله کتبی که تعدادی اخبار صحیح در آن آمده و بقیه اش جعل و افتراست، تفسیر علی بن ابراهیم قمی است. هیچ دلیلی وجود ندارد که تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم، تألیف وی باشد. هیچ یک از قدمای حدیث و تفسیر نامی از آن نبرده اند و... هر عاقلی بخواند، مثل آفتاب بر او روشن می شود که اکثر آن جعلی است. در این کتاب نه برای پیامبر اسلام آبرو گذاشته، و نه برای شیعه! هر چه در آن آمده و عنوان حدیث از یکی از ائمه را دارد، چنان با زیرکی و تردستی به رسول الله و اهل بیت توهین کرده، که قلم از بیانش عاجز است!» (غروی اصفهانی، ۱۳۷۰: ۷۴).

ثانیاً آن سخن ناصحیح نیز که در آن کتاب درج شده، حتی اگر از طرف خود نویسنده نوشته شده باشد، ولی به هیچ وجه روایت نیست و نویسنده هم آن را به قول هیچ یک از معصومان نسبت نمی دهد؛ بلکه صرفاً نقل و برداشت شخصی خودش از تاریخ است! ضمن اینکه در موارد متعدد یادآوری شد، سایر منابع شیعی هرگز چنین ادعایی ندارند و نقل مزبور را رد می کنند. سوم اینکه حتی اگر بر فرض محال، این ادعا به صورت روایت باشد، برای ما حجیتی نخواهد داشت؛ چرا که مرحوم بلاغی از علمای قرن چهاردهم در تفسیر خود در مورد احادیثی که با اصول شیعه در تعارض است، می نویسد: اگر حدیثی برخلاف قرآن و سنت متواتر و اجماع وارد شود، و قابل تاویل و توجیه نیز نباشد، باید آن را به کناری افکنند (ر.ک؛ بلاغی، بی تا، ج ۱: ۲۶).

چهارم، در تمام نسخه هایی که امروزه از آن تفسیر وجود دارد، مطلقاً هیچ نامی از عایشه و آن مرد (!) برده نشده و معلوم نیست کسانی که شیعه را به دلیل این نقل تاریخی محکوم می کنند، دقیقاً به کدام نسخه استناد کرده اند! و لازم است کسانی که ادعا می کنند قمی در ذیل آیه دهم تحریم، صراحتاً از همسر پیامبر نام برده، نسخه ای را که از روی آن چنین مطلبی را خوانده اند، عرضه کنند. با توجه به اینکه آنان ادعا دارند تفسیر قمی و به تبع وی، چند تفسیر دیگر، چنین نوشته اند: «قال شیخ مفسری الشیعة القمی فی قوله تعالی: ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا...﴾ (تحریم/ ۱۰) و الله ما عنی بقوله: «فَخَانَتَاهُمَا» الا الفاحشه؛ و لیقمن الحد علی عائشه فیما اتت فی طریق البصره. و کان طلحه یحبها. فلما ارادت ان تخرج الی البصره، قال

لها فلان: لا يحل لك ان تخرجي من غير محرم. فزوجت نفسها من طلحة! (سقاف، ۱۴۳۷: ۶۱۲).

اینکه، نقل مزبور در آن کتاب، تشابهی به برخی روایات اهل سنت مثل تفسیر سیوطی دارد مبنی بر اینکه یکی از صحابه سوگند می خورد، بعد از رحلت رسول خدا با عایشه ازدواج کند! و آن را نیز نه به مثابه نظر شخصی خود، بلکه در قالب روایت آورده است! (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵: ۲۱۴) لذا این انتقاد، دامن سیوطی و کسانی که این را نقل کرده‌اند نیز می‌گیرد؛ ولی کسانی که در این زمینه شیعه را مورد حمله قرار می‌دهند، هیچ تعرضی به وی ندارند!

ششم و آخر اینکه، سخنان ناصحیح و غیر قابل اعتماد، در هر مذهبی ممکن است وجود داشته باشد و غیر منصفانه است که کسی، مبنای فکری عموم افراد یک مکتب و مذهب را براساس این گونه اقوال معرفی کند. کما اینکه در منابع اهل سنت نیز احادیث قابل تأملی وجود دارد ولی عموم جامعه اهل سنت به آن‌ها ملتزم نیستند و نمی‌توان «سنی» را معتقد به آن احادیث، معرفی نمود.

بنابراین نقل مزبور را نه می‌توان حدیث دانست، نه حتی به خود نویسنده آن کتاب منتسب کرد، و نه در بین شیعه از اعتبار و شهرت برخوردار است. لذا از درجه اعتبار ساقط است و نمی‌توان به صرف وجود نقلی بی‌اساس در یکی از کتب، کل یک مذهب را مورد سرزنش قرار داد.

بحث و نتیجه‌گیری




آنچه در این نوشتار گذشت، این بود که عموم علمای شیعه، پاکدامنی همسران پیامبر را امری مسلم می‌دانند. ابتدا آیاتی از قرآن و توضیحاتی در تأیید این مطلب ذکر شد. در ادامه نیز اثبات شد که مفسران شیعه در ذیل آیه افک و آیه خیانت همسر نوح و همسر لوط، دامان تمامی ازواج پیامبران از جمله امهات المؤمنین را از ارتکاب هر گونه گناهان غیراخلاقی، پاک می‌دانند. ولی متقابلاً برخی از بزرگان غیرشیعه سخنان قابل تأملی نسبت به برخی همسران انبیا گفته‌اند. در ادامه به این مطلب اشاره شد که آنچه موجب سوءبرداشت در این زمینه شده، سخنی ناصحیح از یکی از متون قدیمی شیعه است که با دلایل متعدد و معتبر، مورد رد و انکار قرار گرفت. مبنی بر اینکه تمامی سخنان این کتاب قابل انتساب به نویسنده اصلی‌اش نیست و در آن دستبردهایی شده، و دوم اینکه آن مطلب هرگز به عنوان حدیث

ذکر نشده و صرفاً نظر شخصی نویسنده است؛ و همچنین نقدهای دیگری نیز بر آن وارد شد. لذا از جامعه اهل سنت توقع می‌رود، در این گونه موارد به یک یا دو کتاب منتسب به شیعه بسنده نکنند و آثار سایر شیعیان را نیز در این زمینه ببینند؛ چراکه عموم دانشمندان و مردم شیعه، همسران پیامبر را عقیف می‌دانند و هیچ آیه و روایت صحیحی دلالت بر امکان وقوع جرایم غیر اخلاقی از آن بانوان نمی‌کند. و اگر شخصی به هر دلیلی به چنین مسئله ناصوابی معتقد شود، تعمیم آن به دیگر هم‌مذهباننش اشتباه است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mohammad Jafar Milan Nouri		https://orcid.org/0000-0002-4248-6077
Majid Sarkoubi		https://orcid.org/0000-0002-8873-5604
Seyed Hassan Al-e-Mojadad Shirazi		https://orcid.org/0000-0001-0570-4251

منابع

قرآن کریم.

- آلوسی، شهاب‌الدین محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ ق.). *روح المعانی: فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*. تحقیق عبدالباری عطیه و دیگران. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه (منشورات محمدعلی بیضون).
- ابن ابی حاتم. عبدالرحمان بن محمد. (۱۴۱۹ ق.). *تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق: اسعد محمد الطیب. چاپ سوم. مکه: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ ق.). *زاد المسیر؛ فی علم التفسیر*. تحقیق: عبدالرزاق المهدی. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد الجزری. (۱۴۰۹ ق.). *اسد الغابه؛ فی معرفه الصحابه*. بیروت: دارالفکر.
- ابن عاشور، محمد الطاهر. (۱۹۹۷ م.). *التحریر و التنویر*. تونس: دار سحنون.

- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله. (۱۴۱۲ق.). الاستیعاب؛ فی معرفۃ الاصحاح. تحقیق: علی محمد بجاوی. چاپ اول. بیروت: دار الجیل.
- البانی، محمد ناصرالدین. (۱۹۹۵-۱۹۹۶-۲۰۰۲م.). سلسلۃ الاحادیث الصحیحۃ؛ و شیء من فقہہا و فوائدہا. چاپ اول. ریاض: مکتبۃ المعارف.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ق.). صحیح البخاری. تحقیق: محمد زہیر بن ناصر. چاپ اول. بیروت: دار طوق النجاء.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم. (۱۳۶۶ش.). تفسیر جامع. چاپ ششم. تهران: انتشارات صدر.
- بلاغی، محمد جواد. (بی تا). آلاء الرحمن؛ فی تفسیر القرآن. تحقیق بنیاد بعثت. واحد تحقیقات اسلامی. چاپ اول. قم: وجدانی.
- حداد عادل، غلامعلی و دیگران. (۱۳۸۳ش.). دانشنامہ جهان اسلام. تحقیق: حسن طارمی راد. چاپ اول. تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی. (بی تا). تفسیر روح البیان. چاپ اول. بیروت: دار الفکر.
- رفاعی، عبدالجبار. (۱۳۷۱ش.). معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۱۲ق.). اللہیات؛ علی ہدی الكتاب و السنۃ و العقل. چاپ سوم. قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیہ.
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۱۰ق.). کلیات فی علم الرجال. چاپ دوم. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیہ قم.
- سقاف، علوی بن عبدالقادر و دیگران. (۱۴۳۷ق.). عائشۃ ام المؤمنین. چاپ دوم. ظہران - عربستان: مؤسسہ الدرر السنیۃ.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ق.). الدر المنثور؛ فی التفسیر بالمأثور. چاپ اول. قم: کتابخانہ آیت اللہ مرعشی نجفی.
- محقق شوشتری، محمد تقی. (۱۴۱۰ق.). قاموس الرجال. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزه علمیہ قم.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویہ. (۱۳۸۵ش.). علل الشرائع. چاپ اول. قم: کتاب فروشی داوری.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش.). مجمع البیان؛ فی تفسیر القرآن. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق.). جامع البیان؛ فی تفسیر القرآن. چاپ اول. بیروت: دار المعرفہ.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان؛ فی تفسیر القرآن. تحقیق: احمد حبیب عاملی. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

علامه طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰ق.). *المیزان؛ فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

علامه طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴ش.). *المیزان؛ فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. عونی، حاتم بن عارف. (۲۰۱۵م.). *تکفیر اهل الشهادتین؛ موانعه و مناطاته*. چاپ اول. بیروت: مرکز نماء.

غروی اصفهانی، سید محمدجواد. مغرب و هلال. (۱۳۷۰ش.). چاپ اول. تهران: انتشارات نگارش. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق-۱۳۶۳ش.). *تفسیرالقمی*. تحقیق: سیدطیب موسوی جزایری. چاپ سوم. قم: دارالکتاب.

مولودی، سپهر روز. (۱۳۷۸ش.). *عایشه در حیات محمد*. چاپ ششم. تهران: نشر اوحدی. یوسفی غروی، محمدهادی و دیگران. (۱۳۹۳ش.). *دایره المعارف صحابه پیامبر اعظم*. تحقیق عبدالرضا عسگری وادقانی. چاپ دوم. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.



استناد به این مقاله: میلان نورانی، محمدجعفر، سرکوبی، مجید، آل مجدّد، سید حسن. (۱۳۹۹). بررسی دیدگاه علمای شیعه و اهل سنت در مورد همسران انبیا. *پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه*، ۲ (۳)، ۱۹۵-۲۱۰.



Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Theology is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.